



Paper Type: Original Article



The Impact of Managers' Personal Incentives on Tax Avoidance with an Emphasis on Internal Controls

Nazanin Bashirimanesh^{1,*} , Vahid Arazpour¹, Maliheh Ghaemi¹

¹ Department of Accounting, Faculty of Management, Economics and Accounting, Payam Noor University, Tehran, Iran; bashirimanesh@gmail.com.

Citation:



Bashirimanesh, N., Arazpour, V., & Ghaemi, M. (2026). The impact of managers' personal incentives on tax avoidance with an emphasis on internal controls. *Strategic studies in financial management and insurance*, 3(1), 28-45.

Received: 19/09/2025

Reviewed: 23/11/2025

Revised: 24/12/2025

Accepted: 11/03/2026

Abstract

Purpose: This study aims to investigate the impact of managers' personal incentives on corporate tax avoidance, with a particular emphasis on the moderating role of internal controls. Specifically, two key dimensions of managerial incentives—board compensation and managerial ownership—are examined to determine how they influence firms' tax avoidance behavior under varying levels of internal control quality.

Methodology: The present study is applied in terms of purpose and adopts an ex post facto (causal-comparative) research design. The statistical population consists of firms listed on the Tehran Stock Exchange, from which 133 companies were selected using a systematic elimination sampling method. The study period covers the years 2013 to 2022. Required data were collected from audited financial statements and archival sources. Hypotheses were tested using multivariate regression analysis. Furthermore, internal control weakness was incorporated into the model as a moderating variable to assess its effect on the relationships between managerial incentives and tax avoidance.

Findings: The results indicate that managers' personal incentives, proxied by board compensation, have a positive and significant effect on tax avoidance. This suggests that higher compensation levels may encourage managers to engage in more aggressive tax strategies. In contrast, managerial ownership does not exhibit a significant relationship with tax avoidance. Additionally, internal control weakness strengthens the relationship between board compensation and tax avoidance, indicating a reinforcing moderating effect. However, internal control weakness does not have a significant impact on the relationship between managerial ownership and tax avoidance.

Originality/Value: This study contributes to the literature by simultaneously examining managerial incentives and internal control quality in explaining tax avoidance behavior. By utilizing empirical data from the Iranian capital market, the findings offer valuable practical implications for investors, financial analysts, regulators, and policymakers, while also enriching the theoretical framework of accounting and corporate governance research.

Keywords: Tax avoidance, Managerial ownership, Internal controls.



Corresponding Author: bashirimanesh@gmail.com



<https://doi.org/10.22105/ssfmi.v3i1.102>



Licensee. **Strategic Studies in Financial Management and Insurance**. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>).



نوع مقاله: پژوهشی تاثیر انگیزه‌های شخصی مدیران بر اجتناب مالیاتی با تاکید بر کنترل‌های داخلی

نازنین بشیری منش^{۱*}، وحید عرض پور^۱، ملیحه قائمی^۱
^۱گروه حسابداری، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

چک‌ی‌ده

هدف: هدف این پژوهش بررسی و تبیین تاثیر انگیزه‌های شخصی مدیران بر اجتناب مالیاتی شرکت‌ها با تاکید بر نقش تعدیل‌گر کنترل‌های داخلی است. در این راستا، دو بعد اصلی از انگیزه‌های شخصی مدیران شامل پاداش هیات‌مدیره و مالکیت مدیریتی مورد توجه قرار گرفته و تلاش شده است تا نحوه اثرگذاری این عوامل بر رفتارهای اجتناب مالیاتی شرکت‌ها در چارچوب کیفیت کنترل‌های داخلی تحلیل شود.

روش‌شناسی پژوهش: پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از حیث روش، از نوع علی-پس از وقوع (پس‌رویدادی) است. جامعه آماری شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران بوده که با استفاده از روش حذف سیستماتیک، ۱۳۳ شرکت به‌عنوان نمونه آماری انتخاب شده‌اند. دوره زمانی مورد بررسی سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۱ را در برمی‌گیرد. داده‌های مورد نیاز از صورت‌های مالی و منابع آرشویی استخراج شده و برای آزمون فرضیه‌ها از مدل‌های رگرسیون چندمتغیره استفاده شده است. همچنین، نقش کنترل‌های داخلی به‌عنوان متغیر تعدیل‌گر در روابط بین متغیرهای اصلی مدل لحاظ گردیده است.

یافته‌ها: نتایج پژوهش نشان می‌دهد که انگیزه‌های شخصی مدیران در قالب پاداش هیات‌مدیره تاثیر مثبت و معناداری بر اجتناب مالیاتی دارد، به‌گونه‌ای که افزایش سطح پاداش‌ها می‌تواند مدیران را به اتخاذ سیاست‌های تهاجمی‌تر در حوزه مالیات ترغیب نماید. در مقابل، مالکیت مدیریتی تاثیر معناداری بر اجتناب مالیاتی نشان نمی‌دهد. علاوه بر این، ضعف در کنترل‌های داخلی به‌عنوان یک عامل تقویت‌کننده، رابطه بین پاداش هیات‌مدیره و اجتناب مالیاتی را تشدید می‌کند؛ درحالی‌که این عامل در رابطه بین مالکیت مدیریتی و اجتناب مالیاتی نقش معناداری ایفا نمی‌کند.

اصالت/ارزش‌افزوده علم‌ی: این پژوهش با ترکیب دو حوزه مهم انگیزه‌های مدیریتی و کیفیت کنترل‌های داخلی در تبیین رفتارهای اجتناب مالیاتی، خلأ موجود در ادبیات حسابداری و مالی را تا حدی پوشش می‌دهد. همچنین، استفاده از داده‌های واقعی بازار سرمایه ایران و بررسی هم‌زمان نقش متغیرهای انگیزشی و کنترلی، می‌تواند بینش‌های کاربردی ارزشمندی برای سرمایه‌گذاران، تحلیلگران مالی، سیاست‌گذاران و نهادهای نظارتی فراهم آورد.

کل‌ی‌دواژه‌ها: اجتناب مالیاتی، مالکیت مدیریتی، کنترل داخلی.

۱- مقدمه

مالیات، بخشی از درآمدها یا سودهای فعالیتهای اقتصادی جامعه است که نصیب دولت می‌شود، زیرا ابزار و امکانات دستیابی به این درآمدها و سودها را دولت فراهم کرده است. به عبارت بهتر مالیات نوعی هزینه اجتماعی است که افراد جامعه متناسب با استفاده از خدمات اجتماعی، پرداخت آن را تقبل می‌کنند [1]. یکی از منابع دولت، وصول مالیات از شرکت‌هاست. مالیات تاثیر مهمی در سیاست‌های عمومی و تصمیمات شرکت‌ها دارد. در ایران نیز در سال‌های اخیر با توجه به تحریم‌هایی که در خصوص خرید نفت وجود دارد، استراتژی درآمدهای دولت به سمتی پیش می‌رود که بیشتر متکی بر مالیات خواهد بود؛ لذا، پرداخت مالیات نقش بسیار مهمی در اقتصاد کلان ایفا می‌کند. طی دهه گذشته مطالب زیادی درباره عوامل موثر در فعالیتهای مدیریتی مالیاتی شرکت‌ها و پیامدهای اقتصادی مدیریت مالیاتی در چارچوب نظریه نمایندگی آموخته شده است [2-5]. مبانی نظری و شواهد تجربی نشان می‌دهد شرکت‌ها در تلاشند مالیات بر درآمد خود را کاهش دهند یا به تعویق بیندازند [4]، [6]،

[7]. اجتناب مالیاتی در کشورها باعث شده است تا درآمدهای مالیاتی کشورها همواره از آنچه که برآورد شده است کمتر باشد؛ بنابراین، از جمله موضوعات بسیار مهم که در حال حاضر در اکثر پژوهش‌ها مورد توجه است، بحث اجتناب و فرار مالیاتی و عوامل موثر بر آن و نتایجی است که از آن حاصل می‌شود. در تحقیقات انجام شده اثبات کرده‌اند که هم سویی بین صاحبان سهام و منافع مدیران یک فاکتور مهم در شناخت و فهم اجتناب مالیاتی شرکت‌ها است [2]، [7]، [8]. بازی بین مراجع مالیاتی، شرکت‌ها و افراد از دیرباز جزو رقابت‌های طبیعی و لذت‌بخش بوده است. هرگاه مرجع مالیاتی برای حل اختلاف موجود قانون جدیدی وضع کرده است شرکت در تلاش برای ایجاد مجدد این اختلاف استراتژی خود را تغییر داده تا از مزیت این اختلاف به نفع خود استفاده کند. شرکت‌ها تمایل دارند سودهای خود را در تلاش برای رسیدن به پیامدهای خاص گزارشگری مالی [9] و انتقال اطلاعات به شرکت‌کنندگان در بازار [10] مدیریت کنند.

در تئوری‌های مالی فرض اساسی آن است که هدف اولیه شرکت‌ها افزایش ثروت سهامداران است؛ اما در عمل این‌گونه نیست. مدیران همیشه به دنبال منافع مالکان نیستند و این امکان وجود دارد که آن‌ها سعی در دستیابی به افزایش منافع خود به وسیله ثروت مالکان باشند. نتیجه این تفکر مدیران منجر به ایجاد عدم تقارن اطلاعاتی بین مالک و مدیر شده و انگیزه‌های متفاوت آنان، موجب عدم اعتماد مالکان به مدیران شده است [11]. بر این اساس منظور از مالکیت مدیریتی به‌عنوان درصد سهام متعلق به مدیران شرکت تعریف می‌شود. سطوح مالکیت مدیریتی متفاوت است. این سطوح می‌تواند به‌عنوان معیاری برای اندازه‌گیری تضاد منافع بین مدیران و مالکان مورد استفاده قرار گیرد [12].

سازمان بورس و اوراق بهادار در سال ۱۳۹۱ و در راستای ماده ۱۸ دستورالعمل پذیرش بورس اوراق بهادار اقدام به انتشار دستورالعمل کنترل‌های داخلی برای ناشران پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران کرده است. طبق این ماده، مدیریت مسئول ارزیابی اثربخشی کنترل‌های داخلی است و باید در مورد نتایج ارزیابی کنترل‌های داخلی گزارش تهیه کند. حسابرس مستقل نیز موظف است در خصوص استقرار و به‌کارگیری سیستم کنترل‌های داخلی مناسب و اثربخش توسط شرکت با توجه به چهارچوب کنترل‌های داخلی اظهار نظر کند [13]. کنترل‌های داخلی موثر این اطمینان را می‌دهد که واحد تجاری می‌تواند به اهدافش برسد. برای رسیدن به این هدف باید اطمینان حاصل شود که گزارش‌های کنترل داخلی قابل اعتماد هستند. این شامل دستیابی کارآمد به قوانین و مقررات و سیاست‌ها و تعهدات شرکت است [14].

آنچه که حایز اهمیت است این است که حسابرس باید به‌طور کلی اطلاعات کاملی از کنترل‌های داخلی و ضعف‌های آن داشته باشد تا با مشاهده و برخورد با آن‌ها، پی به ضعف‌ها در کنترل‌های داخلی ببرد و آن‌ها را به واحد مورد رسیدگی گزارش کند. بعضی از نقاط ضعف کنترل‌های داخلی در بیشتر واحدهای مورد رسیدگی وجود دارند و بعضی از نقاط ضعف، خاص واحدهای رسیدگی بخصوصی هستند؛ بنابراین، عمومیت چندانی ندارد و آن‌ها را فقط می‌توان با بررسی دقیق سیستم‌های کنترل‌های داخلی، کشف کرد [15]. وجود گزارش نقاط ضعف با اهمیت کنترل داخلی می‌تواند به استفاده‌کنندگان اطلاعاتی در مورد ضعف‌ها و نحوه عملکرد مدیریت بدهد؛ بنابراین، با توجه به مطالب فوق پژوهش حاضر درصدد پاسخگویی به این سوال است که تأثیر انگیزه‌های شخصی مدیران بر اجتناب مالیاتی با تأکید بر کنترل‌های داخلی چگونه است؟

۲- مبانی نظری پژوهش

گراهام [16] معتقد است که اجتناب مالیاتی، منافع نهایی سپر مالیاتی بهره را کاهش می‌دهد و ممکن است بر روی تصمیمات مربوط به ساختار سرمایه تأثیرگذار باشد. از سوی دیگر، اگر اجتناب مالیاتی توسط مقامات مالیاتی تشخیص داده شود در این صورت، شرکت مجبور به پرداخت‌های اضافی و جریمه می‌شود که باعث کاهش جریان‌های نقدی ورودی و کاهش ثروت سهامداران می‌شود. دیدگاه دیگری که در مورد اجتناب مالیاتی مطرح شد این است که علی‌رغم تفکیک کنترل از مالکیت، پدیده اجتناب مالیاتی می‌تواند ارزشمند باشد و اگر مالکان بتوانند زمینه‌های انگیزشی لازم را در مدیران ایجاد کنند تا آن‌ها با برنامه‌ریزی‌های مالیاتی صحیح، تصمیمات اثربخش مالیاتی اتخاذ کنند، ارزش شرکت افزایش و در نتیجه ثروت سهامداران افزایش خواهد یافت [4].

نظریه مرسوم و معمول در خصوص برنامه‌های اجتناب مالیاتی این است که به‌عنوان ابزاری مالیات را در واحد تجاری ذخیره و منابع را از دولت به مالکان انتقال می‌دهد و سود پس از کسر مالیات قابل توزیع بین سهامداران را افزایش می‌دهد. طی تحقیقات انجام شده در حوزه اقتصادی، نتایج حاصله مبین این نکته است که اجتناب مالیاتی همیشه منجر به افزایش ثروت سهامداران نمی‌شود و تأکید بیشتر آن‌ها بر هزینه‌های نمایندگی ناشی از کاربرد برنامه‌های اجتناب مالیاتی می‌باشد، تحت این بخش از نظریه اجتناب مالیاتی، این‌گونه مطرح می‌شود که اجرای برنامه‌های غیرشفاف و مبهم اجتناب مالیاتی امکان سوءاستفاده مدیریت تحت عناوین برنامه‌های گوناگون پوشش مالیاتی، تسهیل و افزایش می‌یابد. هزینه‌های

غیرقابل اجتناب ناشی از برنامه‌های اجتناب مالیاتی شامل هزینه‌های مستقیم که مرتبط با اجرای برنامه‌های مالیاتی، هزینه‌های غیرمستقیم و هزینه‌های غیر مالیاتی به‌ویژه هزینه‌های نمایندگی ممکن است منافع حاصل از ذخیره و تعدیل هزینه مالیات را تبدیل به زیان کند. اجتناب مالیاتی همیشه به نفع سهامداران تمام نمی‌شود، به طوری که در بخشی از تحقیقات انجام شده در چارچوب تئوری نمایندگی نتایج حاصله نشان می‌دهد مدیران فرصت طلب تکنیک‌ها و روش‌های اجتناب مالیاتی را که به نفع شخصی خودشان است به کار می‌گیرند [7].

بر اساس تئوری منفعت شخصی، نفع شخصی می‌تواند هم یک اصطلاح روانی و هم اقتصادی باشد. به طور کلی، به اعمال و رفتارهای فردی اطلاق می‌شود که منافع شخصی مثبت را برمی‌انگیزد. در طول سال‌ها، اقتصاددانان منافع شخصی و رفتارهای منفعت شخصی منطقی را برای کمک به توسعه نظریه‌ها و مفروضات برای اقتصاد مطالعه کرده‌اند. آدام اسمیت در کتاب معروف خود، پژوهشی در مورد ماهیت و علل ثروت ملل، تاثیرات اقتصادی منافع شخصی و منفعت شخصی عقلایی را بررسی کرد. اسمیت دریافت که منفعت شخصی عقلایی انگیزه‌های قدرتمندی برای فعالیت اقتصادی هستند. به این ترتیب، او نظریه خود را در مورد دست نامرئی بر این حوزه‌های کلیدی استوار کرد. در اقتصاد بازار، افراد و کسب‌وکارها مالک بیشتر منابع موجود (مانند نیروی کار، زمین و سرمایه) هستند و از تصمیمات داوطلبانه‌ای که در راستای منافع شخصی خود می‌گیرند، برای دستیابی به بیشترین سود شخصی از فعالیت‌ها و معاملات بازار استفاده می‌کنند. در این نوع نظام، دولت نقش کوچکی ایفا می‌کند و اقتصاد توسط دو نیرو شکل می‌گیرد: منفعت شخصی و رقابت.

آدام اسمیت استدلال کرد که نفع شخصی به‌عنوان محرکی برای فعالیت اقتصادی از اهمیت بالایی برخوردار است. در اقتصاد سرمایه‌داری، منافع شخصی و رقابت که در آن کالاها و خدمات آزادانه مبادله می‌شوند، غالب است. این نیروها باعث عرضه و تقاضا برای کالاها و خدمات و همچنین ارزش کالاها و خدمات می‌شوند. آن‌ها همچنین می‌توانند منجر به نوآوری شوند. آدام اسمیت یکی از اولین اقتصاددانانی بود که توضیح داد چگونه نفع شخصی و منفعت شخصی منطقی در یک اقتصاد بازار آزاد می‌تواند به رفاه کلی اقتصادی منجر شود. این مفاهیم در نظریه دست نامرئی اسمیت توسعه یافته است که مدعی است اکثریت بزرگی از جامعه زمانی سود می‌برند که هر موجودیت به نفع خود عمل کند، زیرا با بهترین منافع دیگران همپوشانی دارد که منافع اجتماعی ناخواسته اما قدرتمند را آشکار می‌کند. از نظر یک سیستم اقتصادی بازار، فرض اساسی این است که هم تولیدکنندگان و هم مصرف‌کنندگان با نفع شخصی، منطقی عمل می‌کنند تا نه تنها از بیشترین منافع، بلکه از محتاطانه‌ترین تصمیم‌های مالی نیز استفاده کنند؛ بنابراین، هر دو نفع شخصی و منفعت شخصی عقلانی اغلب به‌طور هم‌زمان رخ می‌دهند. مفهوم دست نامرئی توسط اسمیت در قرن هجدهم معرفی شد و به این ایده اشاره دارد که وقتی طرفین با هم تعامل می‌کنند، تصمیم‌گیری بر اساس منفعت شخصی، در کل منافع ناخواسته‌ای برای جامعه ایجاد می‌شود. اقتصاددانان بر این باورند که دست نامرئی محرک تعدادی از کالاها و خدمات بوده که به نفع مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان ایجاد شده است. با تعامل طرفین در اقتصاد بازار، مبادلات داوطلبانه رخ می‌دهد و این مبادلات داوطلبانه عمدتاً بر اساس اقدامات انجام شده در جهت منافع شخصی است. این اقدامات به‌طور کلی منافع اجتماعی را آشکار می‌کند، زیرا اقدامات منفعت شخصی فردی اغلب با بهترین منافع دیگران همپوشانی دارند و منافع ناخواسته‌ای را برای منافع اقتصادی در مقیاس بزرگ ایجاد می‌کنند. مزایای تئوری اقتصادی منفعت شخصی آدام اسمیت نشان می‌دهد که سرمایه‌داری که از منافع شخصی تغذیه می‌شود، در نهایت بهترین راه برای یک اقتصاد شکوفا است. به دلیل تمایل انسان به پول، موفقیت یا شهرت، انگیزه آن‌ها برای بهبود کیفیت کار، محصولات و رقابت با دیگران خواهد بود.

ناتالیا و همکاران [16] بر این عقیده استوارند که اجتناب از پرداخت مالیات، عدم افشای اطلاعات شرکت به گونه کامل را به دنبال خواهد داشت. این موضوع نه تنها برای سال مربوط به اجتناب مالیاتی، بلکه برای دوره‌های بعد نیز مصداق پیدا می‌کند؛ چراکه شرکت می‌خواهد نشان دهد که مالیات آن در دوره‌های قبل کمتر بوده است، لذا باید اطلاعات را مورد دست‌کاری قرار دهد.

۳- پیشینه تجربی پژوهش

فخار و همکاران [17] به بررسی تاثیر عوامل موثر بر اجتناب مالیاتی و ارائه مدل بهینه پیشگیری از اجتناب مالیاتی پرداخته‌اند. جامعه آماری پژوهش را ۹۹ شرکت فعال عضو بورس اوراق بهادار تهران تشکیل می‌دهند. بر این اساس اطلاعات مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران به صورت سالانه برای سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۹ مورد مطالعه قرار گرفت. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد پیچیدگی شرکت بر اجتناب مالیاتی تاثیر معنادار دارد. همچنین متغیرهای حسابداری بر اجتناب مالیاتی تاثیر معنادار دارد. اما متغیرهای حسابداری بر اجتناب مالیاتی تاثیر معنادار ندارد.

طوسی نژاد و بابایی [18] به بررسی تأثیر اجتناب مالیاتی بر قدرت طلبی مدیران با تأکید بر نقش نظام راهبری شرکتی پرداختند. جامعه آماری این پژوهش شامل ۱۲۹ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران طی بازه زمانی ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۰ می‌باشد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد اجتناب مالیاتی بر قدرت طلبی مدیران تأثیر معناداری دارد و این ارتباط به صورت مستقیم است یعنی با افزایش اجتناب مالیاتی قدرت طلبی مدیران نیز بیشتر می‌شود. همچنین می‌توان گفت نظام راهبری شرکت بر رابطه بین اجتناب مالیاتی و قدرت طلبی مدیران تأثیر معکوس و معناداری دارد؛ یعنی با افزایش نظام راهبری شرکت و افزایش اجتناب مالیاتی و تعامل آن‌ها قدرت طلبی مدیران کمتر می‌شود.

نصیری و همکاران [19] در پژوهشی به بررسی تأثیر عدم اطمینان محیطی بر اجتناب از مالیات و فرار مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخت. در این پژوهش برای اندازه‌گیری عدم اطمینان محیطی از ضریب تغییرات فروش پنج سال گذشته و برای اندازه‌گیری اجتناب از مالیات از نرخ موثر مالیات و میانگین ۵ سال اخیر نرخ موثر مالیات و برای اندازه‌گیری فرار مالیاتی از تفاوت سود حسابداری و سود مشمول مالیات استفاده شده است. بدین منظور سه فرضیه برای بررسی این موضوع تدوین و داده‌های مربوط به ۱۴۲ شرکت عضو بورس اوراق بهادار تهران برای دوره‌ی زمانی بین سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۶ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. مدلی رگرسیون پژوهش با استفاده از روش داده‌های تابلویی با رویکرد اثرات ثابت بررسی و آزمون شده است. نتایج به دست آمده نشان داد که عدم اطمینان محیطی تأثیر مثبت و معناداری بر اجتناب از مالیات دارد. هم‌چنین نتایج پژوهش نشان داد که عدم اطمینان محیطی تأثیر مثبت و معناداری بر فرار مالیاتی دارد.

کاوایی فرد و همکاران [20] در پژوهشی، به بررسی تأثیر مولفه‌های قدرت مدیرعامل بر مدیریت مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. در این پژوهش برای اندازه‌گیری مدیریت مالیاتی از سه معیار اجتناب مالیاتی، فرار مالیاتی و راهکار جسورانه مالیاتی استفاده شده است. بدین منظور داده‌های مربوط به ۱۰۸ شرکت عضو بورس اوراق بهادار تهران برای دوره زمانی بین سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۹ به کار برده شده است. الگوی رگرسیون پژوهش با استفاده از روش داده‌های تابلویی، بررسی و آزمون شد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد قدرت مدیرعامل تأثیر منفی و معناداری بر مدیریت مالیاتی با استفاده از هر سه معیار دارد؛ بدین معنی که مدیران عامل قدرتمند از طریق مالکیت سهام، تخصص، تجربه و استقلال بیشتر و افق‌های سرمایه‌گذاری بلندمدت، مدیریت مالیات کمتری انجام می‌دهند. این به خاطر نگرانی از جرایم مالیاتی، جلوگیری از آسیب به شهرتشان و همچنین به دلیل جلوگیری از افزایش هزینه‌های معاملات برای مدیریت مالیات و هزینه‌های غیر مالیاتی است.

حاجیان نژاد و دانش سرارودی [21] به بررسی تأثیر نقد شوندگی و هزینه نمایندگی بر اجتناب مالیاتی، با توجه به سودآوری شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، در طی دوره زمانی ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴ پرداختند. نتایج نشان داد سودآوری، قابلیت تبیین هر یک از متغیرهای نقدشوندگی و هزینه نمایندگی را به عنوان متغیر درون‌زا دارد و با توجه به نتایج معادلات هم‌زمان، نقدشوندگی بر اجتناب مالیاتی، تأثیر منفی و هزینه نمایندگی بر اجتناب مالیاتی، تأثیر مثبت داشته است.

طایفه و همکاران [22] در پژوهشی به بررسی تأثیر عوامل فرهنگی و تجاری بر اجتناب مالیاتی پرداختند. در این پژوهش برای اندازه‌گیری عوامل تجاری از شاخص‌های تمرکز مشتری، راهبرد تجاری، معامله با اشخاص وابسته و تمرکز شرکت، برای سنجش فرهنگ سازمانی از پرسشنامه ارزش‌های فرهنگی هافستد در سال ۱۹۸۴ و برای آزمون فرضیه‌ها از تکنیک معادلات ساختاری استفاده شده است. نمونه آماری تحقیق، شامل ۷۷ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران و دوره زمانی آن، طی سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۱ است. نتایج نشان داد عوامل فرهنگی و تجاری بر سطح اجتناب مالیاتی اثرگذار است.

شیبانی و همکاران [23] در پژوهشی به بررسی تأثیر تمرکز مشتری بر اجتناب مالیاتی با در نظر گرفتن سهم بازار شرکت پرداختند. معیار اندازه‌گیری اجتناب مالیاتی، تفاوت نرخ قانونی و واقعی مالیات شرکت است. نمونه پژوهش شامل ۷۹ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران برای دوره زمانی ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۳ بوده و داده‌ها با استفاده از رگرسیون تجزیه و تحلیل شده‌اند. یافته‌های پژوهش نشان داد که تمرکز مشتری شرکت دارای تأثیر مثبت و معنادار بر فعالیت‌های اجتناب مالیاتی آن است. علاوه بر این، ارتباط مثبت بین تمرکز مشتری و اجتناب مالیاتی زمانی برجسته‌تر است که شرکت در صنعتی که فعالیت می‌کند، سهم بازار کمتری داشته باشد.

آقایی و همکاران [24] در پژوهشی به بررسی نقش توانایی مدیران در اجتناب مالیاتی شرکت پرداختند. شاخص‌های مورد استفاده برای سنجش اجتناب از پرداخت مالیات، نرخ موثر مالیاتی دفتری، نرخ موثر مالیاتی نقدی و نرخ موثر مالیاتی نقدی بلندمدت هستند. نمونه آماری شامل ۱۲۲ شرکت از شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس تهران است که طی سال‌های ۸۷ تا ۹۳ بررسی شده‌اند. نتایج نشان می‌دهد بین توانایی مدیریتی و هر

سه معیار استفاده شده برای اجتناب از پرداخت مالیات، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد؛ بدین معنی که مدیران توانا تر، بیشتر درگیر فعالیت‌های اجتناب مالیاتی می‌شوند که منجر به کاهش پرداخت‌های مالیات توسط شرکت می‌گردد. از طرفی، نتایج نشان‌دهنده این است شرکت‌هایی که عملکرد بهتری دارند مدیران با سطح توانایی بالا کمتر درگیر فعالیت‌های اجتناب مالیاتی می‌شوند. به‌طور کلی، نتایج پژوهش نشان می‌دهد علاوه بر ویژگی‌های شرکت، توانایی مدیریتی بر رفتار اجتناب مالیاتی شرکت موثر است.

حسینی القار و شعری [25] در پژوهشی تحت عنوان "تاثیر توانایی مدیریت بر اجتناب مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران" در دوره‌ی زمانی بین سال‌های ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۳ پرداخته‌اند. آن‌ها در پژوهش خود جهت اندازه‌گیری اجتناب مالیاتی از معیارهای و تفاوت سود حسابداری و سود مشمول مالیات و نرخ موثر مالیات نقدی استفاده کردند و نشان دادند توانایی مدیریت، تاثیر معنادار و مستقیم بر اجتناب مالیاتی دارد. همچنین نشان دادند اهرم مالی و اندازه شرکت بر اجتناب مالیاتی تاثیر غیرمستقیم دارند.

خواجوی و همکاران [26] در پژوهشی به بررسی ارتباط اجتناب مالیاتی و نظریه نمایندگی پرداختند. در راستای آزمون تجربی این موضوع، از ۱۳۸ شرکت در بازه زمانی ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۳ استفاده شده است. نتایج به‌دست‌آمده از تاثیرگذاری مثبت هزینه‌های نمایندگی بر اجتناب مالیاتی پشتیبانی می‌کند. پژوهش حاضر می‌تواند به فهم دقیق‌تری از نقش نظریه نمایندگی در چارچوب اجتناب مالیاتی منجر شود و نشان دهد که چگونه مشکلات نمایندگی رویکرد مالیاتی شرکت‌ها را تحت تاثیر قرار می‌دهد.

طاهری فرد و صالحی [27] در تحقیقی تحت عنوان "رابطه بین دوگانگی نقش مدیرعامل و اجتناب مالیاتی" پرداختند. این پژوهش ۹۰۱ شرکت را در بازه زمانی سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۳ مورد آزمون قرار داده است. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که دوگانگی نقش مدیرعامل دارای ضریب مثبت و سطح معناداری کمتر از ۵٪ بوده؛ بنابراین، با اجتناب مالیاتی شرکت ارتباط مستقیم داشته است. در نتیجه می‌توان عنوان کرد که هر موقع مدیرعامل وظیفه و سمت دیگری داشته باشد، اجتناب مالیاتی بیشتر می‌شود. آن‌ها رابطه استقلال هیات‌مدیره و اجتناب مالیاتی شرکت‌ها را مورد بررسی قرار دادند، در این پژوهش ۹۰۱ شرکت در بازه زمانی سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۳ مورد آزمون قرار گرفته‌اند. نتایج برآورد مدل رگرسیون فرضیه پژوهش یعنی اعضای غیرموظف هیات‌مدیره در سطح خطای ۵٪ معنادار بوده و رابطه‌ی معکوس با اجتناب از پرداخت مالیات شرکت‌ها داشته است. در نتیجه می‌توان ادعا نمود که با افزایش تعداد اعضای غیرموظف هیات‌مدیره اجتناب از پرداخت مالیات کاهش می‌یابد.

۱-۳- پیشینه خارجی پژوهش

وندای و همکاران [28] با استفاده از داده‌های شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس شانگهای و شنژن از سال ۲۰۱۲ تا ۲۰۲۲، تاثیر اجتناب از مالیات شرکت‌ها بر ارزش شرکت را در شرایط مختلف بررسی می‌کند. یافته‌ها نشان می‌دهد که اجتناب از مالیات می‌تواند ارزش شرکت را کاهش دهد. با این وجود، مکانیسم‌های کنترل داخلی با کیفیت بالا، تاثیر منفی اجتناب از مالیات بر ارزش شرکت را کاهش می‌دهند. علاوه بر این، افزایش نسبت مدیران مستقل به‌طور موثر اثرات مضر اجتناب از مالیات بر ارزش شرکت را کاهش می‌دهد. نکته قابل توجه این است که تاثیر منفی اجتناب از مالیات بر ارزش شرکت زمانی که نسبت سهام سرمایه‌گذاران نهادی کمتر است، بیشتر مشهود است و بر اهمیت ساختارهای حاکمیت شرکتی متنوع در مدیریت ریسک تاکید می‌کند. این مطالعه بینش‌های مهمی را برای سیاست‌گذاران، مدیران شرکت‌ها و سرمایه‌گذاران ارائه می‌دهد و نشان می‌دهد که بهبود سیستم‌های حاکمیت شرکتی و کنترل داخلی برای ارتقای ارزش بلندمدت شرکت و کاهش اثرات منفی اجتناب از مالیات بسیار مهم است.

آزنول و همکاران [29] به بررسی تاثیر تحول دیجیتال بر اجتناب از مالیات شرکت‌ها پرداختند. یک فرضیه این است که دیجیتالی‌سازی شفافیت اطلاعات و کنترل داخلی را افزایش می‌دهد و اجتناب از مالیات را کاهش می‌دهد. درحالی‌که فرضیه دیگر این است که افزایش دیجیتالی شدن منجر به معاملات پیچیده‌تر و غیر شفاف‌تر می‌شود و راه‌هایی را برای استراتژی‌های مالیاتی تهاجمی‌تر باز می‌کند. این مقاله از داده‌های شرکت‌های فهرست شده در بورس اوراق بهادار کازابلانکا از سال ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۴ استفاده می‌کند بخش مالی به دلیل مقررات مالیاتی خاص خود، نمونه نهایی ۵۶ شرکت و ۲۷۲ مشاهده در سال مالی آمریکا را به خود اختصاص می‌دهد. یافته‌ها نشان می‌دهد که تحول دیجیتال در کنار متغیرهای حاکمیت شرکتی مانند حضور مدیران مستقل در هیات‌مدیره و دوگانگی سمت مدیرعامل به کاهش اجتناب از مالیات شرکت‌ها کمک می‌کند و فرضیه ۱ را به شدت تایید می‌کند. این نتایج پشتیبانی بالایی از فناوری‌ها برای بهینه‌سازی فرآیندهای داخلی و بهبود کیفیت داده‌های آن‌ها ارائه می‌دهد. همچنین مستلزم تقویت ظرفیت‌های حسابرسی دیجیتال و ادغام ابزارهای داده محور برای شناسایی و تفسیر استراتژی‌های تهاجمی مالیاتی است.

شرکت‌ها مالیات را به‌عنوان هزینه‌ای می‌دانند که پتانسیل کاهش سود را دارد. اجتناب مالیاتی اقدام شرکت برای کاهش میزان مالیاتی است که باید به روش قانونی پرداخت شود. رحمایانی و همکاران [30] در این مقاله به آرایه تحلیلی از پتانسیل کاهش اجتناب مالیاتی از طریق کنترل‌های داخلی اجرا شده پرداختند. کنترل داخلی اقدامات شرکت را برای انجام فعالیت‌هایی که تأثیر منفی بر ارزش شرکت دارند سرکوب می‌کند. همچنین کنترل داخلی موثر پتانسیل کاهش رفتار اجتناب مالیاتی تهاجمی توسط شرکت‌ها را دارد. تأثیر کنترل داخلی بر اجتناب مالیاتی می‌تواند ویژگی‌ها و منافع شرکت‌های درگیر را مورد بحث قرار دهد تا جامع‌تر شود. بر اساس غالب یافته‌های تحقیق آن‌ها می‌توان در نظر گرفت که کنترل داخلی موثر پتانسیل جلوگیری از اجتناب مالیاتی تهاجمی توسط شرکت‌ها را دارد.

ماریانا و حسینی [31] به بررسی تجربی تأثیر مالکیت مدیریتی بر اجتناب مالیاتی با تعدیل توسط اندازه شرکت بود. جامعه آماری این مطالعه شرکت‌های تولیدی پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار اندونزی در دوره ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۲ بودند. برای تعیین نمونه در این مطالعه از تکنیک نمونه‌گیری هدفمند استفاده شد و منجر به ۲۸۰ مشاهده گردید. روش تحقیق مورد استفاده در این تحقیق روش تحقیق کمی از تحلیل رگرسیون تعدیل شده *MRA* برای آزمون تأثیر تعاملات متغیرهای تعدیل‌کننده استفاده شد. بر اساس تحقیقات انجام شده، مالکیت مدیریتی تأثیر قابل توجهی بر اجتناب مالیاتی دارد. علاوه بر این اندازه شرکت به‌عنوان یک متغیر تعدیل‌کننده تأثیر مالکیت مدیریتی بر اجتناب مالیاتی را تضعیف می‌کند این نشان می‌دهد که شرکت‌هایی که مقیاس بزرگ‌تری دارند، مالکیت مدیریتی تمایل دارند تأثیر کمتری بر شیوه‌های اجتناب مالیاتی داشته باشند. این به دلیل نقش نظارت و رعایت سخت‌گیرانه‌تر مالیات در شرکت‌های بزرگ است.

ونوو و همکاران [32] در پژوهشی نشان دادند که رابطه مثبتی بین انگیزه‌های مدیریت و اجتناب از مالیات شرکت‌ها وجود دارد، به این معنی که هر چه انگیزه‌های شخصی مدیران بیشتر شود، شرکت‌ها به احتمال زیاد استراتژی‌های اجتناب مالیاتی را به‌طور تهاجمی دنبال می‌کنند. ضعف کنترل داخلی رابطه مثبت بین انگیزه‌های شخصی مدیران و رفتار اجتناب از مالیات شرکت را افزایش می‌دهد؛ بنابراین، در شرکت‌های چینی، فقدان یک سیستم کنترل داخلی و شکست اقدامات کنترل داخلی رایج است و چنین خلأهایی می‌تواند رفتار اجتناب از مالیات را تشدید کند که وقتی مدیران اجرایی مشمول مشوق‌های برابری می‌شوند، ایجاد می‌شود. این اثرات شرکت‌های دولتی بیشتر از شرکت‌های خصوصی است.

کورائونی و همکاران [33] در پژوهشی به مطالعه اهمیت تأثیر استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی^۱، حساسی و اجرای قانونی بر فرار مالیاتی بر اساس شواهدی از گروهی متشکل از ۳۷ کشور آفریقایی طی دوره ۲۰۰۸-۲۰۱۷ پرداختند. این کشورها متعاقباً در زیر نمونه‌های چهار خوشه‌ای تجزیه شدند. برای تجزیه و تحلیل از رگرسیون سه مرحله‌ای حداقل مربع استفاده شد. نتایج نشان می‌دهد که بین *IFRS* و فرار مالیاتی در برخی از خوشه‌ها (پذیرندگان اولیه *IFRS* و مجریان قانونی قوی) رابطه منفی و معناداری وجود دارد. سایر خوشه‌ها (پذیرندگان دیرنگام *IFRS* و مجریان ضعیف قانونی) دارای علامت مشابهی از ضریب هرچند از نظر آماری ناچیز هستند. علاوه بر این، شواهد نشان می‌دهد که تصویب و استفاده از *IFRS* منجر به بهبود کیفیت گزارشگری مالی و کاهش فرار مالیاتی در برخی حوزه‌های قضایی آفریقا می‌شود.

ون و همکاران [34] در پژوهشی به بررسی رابطه مدیران با تجربه خارجی و اجتناب از مالیات شرکتی پرداختند. ایشان با استفاده از نمونه بزرگی از داده‌های تجربیات خارجی مدیران جمع‌آوری شده برای شرکت‌های پذیرفته‌شده در چین از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۶ به این نتیجه رسیدند که ارتباط منفی قابل توجهی بین مدیران با تجربه خارجی و اجتناب از مالیات وجود دارد و نشان می‌دهد که این مدیران می‌توانند به محدود کردن تجاوز مالیاتی شرکت‌های خود کمک کنند. تجزیه و تحلیل‌های بیشتر نشان می‌دهد که نگرانی‌های شهرت و آگاهی از مسئولیت اجتماعی کانال‌های بالقوه‌ای است که از طریق آن‌ها مدیران با تجربه خارجی بر اجتناب از مالیات شرکت‌ها تأثیر می‌گذارند.

خانولا و موئز [35] به بررسی اثر تعدیلی اعضای هیات‌مدیره بر رابطه بین برنامه‌ریزی مالیاتی (اجتناب مالیاتی) و ارزش شرکت پرداختند. جامعه آماری شامل ۱۰۵ شرکت اروپایی در سال‌های ۲۰۰۵ الی ۲۰۱۲ بوده است. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که بین اجتناب مالیاتی و ارزش شرکت رابطه مثبت وجود دارد. همچنین، نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که استقلال هیات‌مدیره و تنوع جنسیتی اعضای هیات‌مدیره اثر منفی بر رابطه بین اجتناب مالیاتی و ارزش شرکت دارد.

¹ International Financial Reporting Standards (IFRS)

۴- فرضیه‌های پژوهش

بر اساس مبانی نظری و اهداف پژوهش، فرضیه‌های پژوهش به شرح زیر تدوین می‌شود:

فرضیه ۱- انگیزه‌های شخصی مدیران (پاداش هیات‌مدیره) بر اجتناب مالیاتی تاثیر دارد.

فرضیه ۲- انگیزه‌های شخصی مدیران (مالکیت مدیریتی) بر اجتناب مالیاتی تاثیر دارد.

فرضیه ۳- ضعف کنترل‌های داخلی بر ارتباط بین انگیزه‌های شخصی مدیران (پاداش هیات‌مدیره) و اجتناب مالیاتی تاثیر دارد.

فرضیه ۴- ضعف کنترل‌های داخلی بر ارتباط بین انگیزه‌های شخصی مدیران (مالکیت مدیریتی) و اجتناب مالیاتی تاثیر دارد.

۵- روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نوع پژوهش‌های شبه تجربی و روش‌شناسی آن از نوع پس رویدادی است. به لحاظ هدف، این پژوهش از نوع پژوهش‌های کاربردی است که نتایج حاصل از آن می‌تواند برای طیف گسترده‌ای از جمله حساب‌برسان، سرمایه‌گذاران، سهامداران، قانون‌گذاران و محققان مفید واقع شود. برای آزمون فرضیه‌ها از رگرسیون چند متغیره استفاده خواهد شد.

جامعه آماری این پژوهش شامل شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران است. نمونه آماری پژوهش با استفاده از روش حذف نظام‌مند و بر اساس معیارهای زیر گزینش شده است:

۱. به‌منظور همگن شدن نمونه آماری در سال‌های موردبررسی، شرکت‌هایی که قبل از سال ۱۳۹۲ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته‌شده باشند و تا پایان سال ۱۴۰۰ از بورس اوراق بهادار تهران خارج نشده باشند.
۲. به لحاظ افزایش قابلیت مقایسه، دوره مالی آن‌ها منتهی به پایان اسفندماه باشد.
۳. در طی دوره پژوهش تغییر سال مالی نداشته باشند.
۴. جز شرکت‌های سرمایه‌گذاری و واسطه‌گری مالی نباشند.
۵. اطلاعات موردنیاز پژوهش برای دوره موردبررسی در دسترس باشد.

بر این اساس ۱۳۳ شرکت مشخص شد.

۵-۱- مدل‌های پژوهش

برای آزمون فرضیه ۱ از مدل زیر استفاده می‌شود:

$$Tax_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 MI_{i,t} + \beta_2 Age_{i,t} + \beta_3 SIZE_{i,t} + \beta_4 LIQUID_{i,t} + \beta_5 ROA_{i,t} + \beta_6 LEV_{i,t} + \beta_7 MTB_{i,t} + \beta_8 GR + \varepsilon \quad (1)$$

برای آزمون فرضیه ۲ از مدل زیر استفاده می‌شود:

$$Tax_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 MI_{i,t} + \beta_2 Weak_{i,t} + \beta_3 (MI_{i,t} * Weak_{i,t}) + \beta_4 Age_{i,t} + \beta_5 SIZE_{i,t} + \beta_6 LIQUID_{i,t} + \beta_7 ROA_{i,t} + \beta_8 LEV_{i,t} + \beta_9 MTB_{i,t} + \beta_{10} GR + \varepsilon \quad (2)$$

۵-۲- متغیرهای پژوهش

۵-۲-۱- متغیر وابسته: اجتناب مالیاتی (Tax)

در پژوهش حاضر، برای محاسبه اجتناب مالیاتی واحدهای اقتصادی از نرخ موثر پرداخت استفاده خواهد شد بدین‌صورت که اجتناب مالیاتی از طریق تفاضل نرخ قانونی مالیات و نرخ موثر مالیاتی به‌دست خواهد آمد.

نرخ قانونی مالیات = برابر ماده ۱۰۵ قانون مالیات‌های مستقیم مالیات بر درآمد شرکت‌ها ۲۵٪ و بر اساس ماده ۱۴۳ شرکت‌هایی که دارای سهام شناور آزاد می‌باشند ۲۲/۵٪ و شرکت‌هایی که بیش از ۲۰٪ سهام شناور آزاد دارند ۲۰٪ مشمول مالیات بر درآمد می‌باشند.

۵-۲-۲- متغیرهای مستقل: انگیزه‌های شخصی مدیران (MI)

پاداش هیات‌مدیره: لگاریتم طبیعی پاداش پرداختی به مدیران (از یادداشت توضیحی هزینه‌های عمومی و اداری قابل استخراج است). مالکیت مدیریتی: نسبت تعداد سهام متعلق به مدیران شرکت به تعداد کل سهام عادی منتشره می‌باشد.

۵-۲-۳- متغیر تعدیل‌گر: ضعف کنترل‌های داخلی (Weak)

برای سنجش ساختار کنترل داخلی که آیا در شرکت ضعف کنترل داخلی وجود دارد یا خیر، از نقاط ضعف بااهمیت کنترل‌های داخلی استفاده می‌شود. بر اساس چک‌لیست منتشرشده سازمان بورس اوراق بهادار از سال ۱۳۹۱ به بعد، حسابرسان می‌باید کنترل داخلی شرکت‌ها را بررسی کنند و مواردی را گزارش کنند که نشان‌دهنده اجرا نشدن مطلوب کنترل داخلی است؛ بنابراین، در این پژوهش، بندهای ذیل مسئولیت قانونی گزارش حسابرس بررسی می‌شوند [13]. اگر شرکت دست‌کم یک ضعف در سیستم کنترل‌های داخلی داشته باشد، عدد ۱، در غیر این صورت، مقدار صفر می‌گیرد [36].

۵-۲-۴- متغیرهای کنترلی

سن شرکت (*Age*): از طریق لگاریتم طبیعی عمر شرکت از زمان تاسیس تا سال جاری اندازه‌گیری می‌شود.

اندازه شرکت (*SIZE*): اندازه شرکت برابر است با لگاریتم ارزش بازار سهام شرکت.

نقدینگی (*LIQUID*): برابر است با نسبت وجه نقد و معادل وجه نقد به مجموع دارایی‌های شرکت.

بازده دارایی‌ها (*ROA*): برابر است با نسبت سود خالص پس از کسر مالیات بر جمع کل دارایی‌ها.

اهرم مالی (*LEV*): نسبت بدهی‌های بلندمدت به کل دارایی‌ها.

نسبت ارزش بازار به دفتری دارایی‌ها (*MTB*): نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری دارایی‌ها اندازه‌گیری خواهد شد.

رشد فروش (*GR*): به‌منظور محاسبه این متغیر، از نسبت تغییرات فروش به فروش سال قبل استفاده خواهد شد.

۶- یافته‌های پژوهش

۶-۱- آمار توصیفی متغیرها

جدول ۱ آمار توصیفی مربوط به متغیرهای این مدل را نشان می‌دهد که بیانگر پارامترهای توصیفی برای هر متغیر به‌صورت مجزا می‌باشد. این پارامترها عمدتاً شامل اطلاعات مربوط به شاخص‌های مرکزی، نظیر بیشینه، کمینه، میانگین و همچنین اطلاعات مربوط به شاخص‌های پراکندگی نظیر واریانس است. در این جدول تعداد مشاهدات برای هر متغیر برابر ۱۳۳ مشاهده است.

از بین شاخص‌ها، مهم‌ترین، شاخص مرکزی میانگین است که نشان‌دهنده نقطه تعادل و مرکز ثقل توزیع است و شاخص مناسبی برای نشان دادن مرکزیت داده‌هاست. برای مثال: میانگین متغیر اهرم مالی برابر با ۰/۵۲۸ می‌باشد که نشان می‌دهد بیشتر داده‌های مربوط به این متغیر حول این نقطه تمرکز یافته‌اند.

پارامترهای پراکندگی، به طور کلی معیاری برای تعیین میزان پراکندگی داده‌ها از یکدیگر یا میزان پراکندگی آن‌ها نسبت به میانگین است. از جمله مهم‌ترین پارامترهای پراکندگی انحراف معیار است. مقدار این پارامتر برای متغیر ارزش شرکت برابر ۱/۸۸۶ و برای متغیر پاداش هیات‌مدیره برابر با ۰/۶۷ است که نشان می‌دهد در بین متغیرهای پژوهش، ارزش شرکت و پاداش هیات‌مدیره به ترتیب دارای بیشترین و کمترین میزان پراکندگی می‌باشند.

جدول ۱- آمار توصیفی متغیرهای پژوهش.

Table 1- Descriptive statistics of research variables.

نام متغیر	نماد	تعداد	میانگین	انحراف معیار	کمینه	بیشینه
اجتناب مالیاتی	Tax	1330	0.107	0.076	0	0.225
پاداش هیات‌مدیره	Narc	1330	0.046	0.074	0	0.457
مالکیت مدیریتی	MI	1330	0.543	0.281	0	0.933
سن شرکت	Age	1330	3.649	0.353	2.564	4.262
اندازه شرکت	SIZE	1330	14.906	1.586	11.035	21.571
نگهداشت وجه نقد	Liq	1330	0.079	0.095	0.0015	0.585
بازده دارایی‌ها	ROA	1330	0.200	0.163	-0.58	0.670
اهرم مالی	Lev	1330	0.539	0.218	0.031	1.824
ارزش بازار شرکت	MTB	1330	2.508	1.728	0.62	11.45
رشد فروش	GR	1330	0.380	0.472	-0.479	2.893
متغیرهای کیفی پژوهش						
نام	نماد	شرح	درصد فراوانی	درصد فراوانی تجمعی		
ضعف کنترل داخلی	Weak	0	910	68.42		
		1	420	31.58		

همان‌طور که در جدول ۱ قابل مشاهده است، جمع کل شرکت‌های مورد بررسی برابر با ۱۳۳۰ می‌باشد که از بین آن‌ها تعداد ۴۲۰ شرکت یعنی ۳۱/۵۸٪ شرکت‌ها ضعف کنترل داخلی داشته‌اند.

۲-۶- مانایی متغیرهای پژوهش

لازم است که قبل از تخمین مدل، مانایی متغیرهای آن مورد بررسی قرار بگیرد. یک متغیر، وقتی ماناست که میانگین، واریانس و کوواریانس آن در طول زمان ثابت باقی بماند. به طور کلی اگر مبدأ زمانی یک متغیر، تغییر کند و میانگین واریانس و کوواریانس تغییری نکند، در آن صورت متغیر ماناست و در غیر این صورت متغیر، ناماناست خواهد بود. فرضیه‌های مربوط به مانایی متغیرها به صورت زیر می‌باشد:

۱. H_0 : متغیر ناماناست.

۲. H_1 : متغیر ماناست.

مانایی متغیرها در سه حالت در سطح، روی تفاضل اول و روی تفاضل دوم می‌تواند بررسی شود. متغیرهایی که احتمال حاصل از آزمون آن‌ها در سطح کمتر از ۵٪ می‌باشد فرضیه صفر در مورد آن رد شده و آن متغیر در سطح ماناست در صورتی که بیشتر از ۵٪ باشد، ناماناست. بر اساس آزمون هادری، چون مقدار احتمال همه متغیرها کمتر از ۵٪ بوده است، همه متغیرهای مستقل، وابسته و کنترلی در دوره پژوهش در سطح پایا بوده‌اند پایایی بدین معنی است که میانگین واریانس متغیرهای پژوهش در طول زمان و کوواریانس متغیرها بین سال‌های مختلف ثابت بوده است. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود همه متغیرها مانا هستند و نیازی به آزمون هم جمعی وجود ندارد؛ بنابراین مشکل رگرسیون کاذب در ضرایب برآوردی وجود نخواهد داشت. در رگرسیون کاذب معنی‌دار ضرایب به صورت کاذب است.

جدول ۲- نتایج آزمون مانایی متغیرهای پژوهش.

Table 2- Results of the stationarity test of research variables.

متغیرها	نماد	آماره	احتمال	نتیجه
اجتناب مالیاتی	Tax	14.6348	0.0000	مانا
پاداش هیات‌مدیره	Narc	23.4461	0.0000	مانا
مالکیت مدیریتی	MI	25.3057	0.0000	مانا
سن شرکت	Age	57.2689	0.0000	مانا
اندازه شرکت	SIZE	50.2237	0.0000	مانا
نگهداشت وجه نقد	Liq	20.5248	0.0000	مانا
بازده دارایی‌ها	ROA	17.2283	0.0000	مانا
اهرم مالی	Lev	24.7735	0.0000	مانا
ارزش بازار شرکت	MTB	13.8871	0.0000	مانا
رشد فروش	GR	9.3337	0.0000	مانا

همان‌طور که از نتایج آزمون هادری در جدول ۲ مشخص است تمامی داده‌ها در سطح معنادار ۵٪ پایا هستند.

۳-۶- آزمون F لیمر و آزمون هاسمن

با توجه به دلایل مطروحه در فصل سوم داده‌های این پژوهش از نوع ترکیبی می‌باشد؛ اما قبل از تخمین مدل‌ها لازم است که روش تخمین (تلفیقی یا تابلویی) مشخص گردد. برای این منظور از آزمون F لیمر استفاده شده است. برای مشاهداتی که احتمال آزمون آن‌ها بیشتر از ۵٪ باشد یا به عبارتی دیگر آماره آزمون آن‌ها کمتر از آماره جدول باشد، از روش تلفیقی استفاده می‌شود و برای مشاهداتی که احتمال آزمون آن‌ها کمتر از ۵٪ است، برای تخمین مدل از روش تابلویی استفاده می‌شود. روش تابلویی خود با استفاده از دو مدل "اثرات تصادفی" و "اثرات ثابت" می‌تواند انجام گیرد. برای تعیین اینکه از کدام مدل استفاده شود از آزمون هاسمن استفاده گردیده است. مشاهداتی که احتمال آزمون آن‌ها کمتر از ۵٪ است، از مدل اثرات ثابت و مشاهداتی که احتمال آزمون آن‌ها بیشتر از ۵٪ است، از مدل اثرات تصادفی برای تخمین مدل استفاده شده است.

جدول ۳- نتایج حاصل از آزمون F لیمر و آزمون هاسمن.

Table 3- Results of the F-limer test and the Hausman test.

مدل	آزمون	آماره آزمون	احتمال	نتیجه
اول	F لیمر	5.66	0.0000	روش تابلویی
	هاسمن	37.42	0.0000	اثرات ثابت
دوم	F لیمر	4.75	0.0000	روش تابلویی
	هاسمن	68.48	0.0000	اثرات ثابت
سوم	F لیمر	5.68	0.0000	روش تابلویی
	هاسمن	38.50	0.0000	اثرات ثابت
چهارم	F لیمر	4.78	0.0000	روش تابلویی
	هاسمن	71.12	0.0000	اثرات ثابت

همان‌طور که در جدول ۳ منعکس گردیده، احتمال F لیمر کلیه مدل‌های پژوهش کمتر از ۵٪ می‌باشد. لذا برای تخمین کلیه مدل‌ها از روش تابلویی استفاده می‌شود و با توجه به اینکه احتمال آزمون هاسمن کلیه مدل‌های پژوهش از ۵٪ می‌باشد لذا از مدل اثرات ثابت برای تخمین این مدل‌ها استفاده شده است.

۴-۶- بررسی مفروضات مدل رگرسیون خطی

مجموعه‌ای از فروض، تحت عنوان فروض کلاسیک وجود دارد که در مورد جمله باقیمانده (خطای مدل) مطرح می‌گردند. برای اینکه در مدل رگرسیون خطی، تخمین‌زن‌های ضرایب رگرسیون، بهترین تخمین‌زن‌های بدون تورش خطی باشند، لازم است تا مفروضات این مدل بررسی و آزمون شوند. لذا در ادامه، نحوه آزمون این مفروضات بیان شده و سپس نتایج حاصل از برآوردهای انجام‌شده تشریح می‌گردد.

۶-۴-۱- ثابت بودن واریانس جزء خطا

وقتی خطاها ناهمسان باشند، انحراف معیار عرض از مبدا بسیار بزرگ می‌شود. انحراف معیار ضرایب شیب نیز به شکل ناهمسانی بستگی دارد. برای مثال اگر واریانس خطاها به شکل مثبتی با مجذور یک متغیر توضیحی در ارتباط باشد، انحراف معیار ضریب آن متغیر، بسیار بزرگ خواهد بود.

فرض‌های آماری این آزمون به شرح ذیل است:

۱. فرض صفر: واریانس مقادیر خطا همسان است.
۲. فرض مقابل: واریانس مقادیر خطا همسان نیست.

جدول ۴- نتایج حاصل از آزمون ثابت بودن واریانس جزء خطا.
Table 4- Results of the error component variance constancy test.

مدل	آماره آزمون	احتمال	نتیجه
اول	35558.74	0.0000	ناهمسانی واریانس جزء خطا
دوم	9148.38	0.0000	ناهمسانی واریانس جزء خطا
سوم	18242.32	0.0000	ناهمسانی واریانس جزء خطا
چهارم	8580.30	0.0000	ناهمسانی واریانس جزء خطا

نتایج حاصل در جدول ۴ نشان می‌دهد که سطح معنی‌داری آزمون والد تعدیل‌شده در مدل‌های پژوهش کمتر از ۵٪ می‌باشد و بیانگر وجود ناهمسانی واریانس در جملات اخلاص می‌باشد که این مشکل در تخمین نهایی مدل‌ها با اجرای دستور *gls* رفع شده است.

۶-۴-۲- عدم وجود خودهمبستگی جمله جزئی خطا

یکی از فرض‌های اساسی در تخمین مدل رگرسیون به روش *OLS* عدم خودهمبستگی بین جملات خطا یا همبستگی سریالی است. چون مقادیری که متغیرهای توضیحی در مدل به خود می‌گیرند تصادفی هستند، بنابراین مقادیر خطا نیز باید در کل تصادفی باشند؛ یعنی، بین مقادیر جملات خطا همبستگی و ترتیب خاصی وجود نداشته باشد و در طول زمان به طور منظم تغییر نکند، زیرا اگر چنین باشد، تغییرات جملات خطا تصادفی نبوده و به مقادیر متغیرهای توضیحی وابسته خواهد بود. همبستگی بین مقادیر خطا ممکن است در بین سال‌های مختلف و یا در بین مقاطع مختلف وجود داشته باشد.

فرض‌های آماری و پژوهش در آزمون به شرح زیر است:

۱. فرض صفر: عدم وجود خودهمبستگی.
۲. فرض مقابل: وجود خودهمبستگی.

جدول ۵- نتایج حاصل از آزمون عدم وجود خودهمبستگی جزء خطا.
Table 5- Results of the test for the absence of autocorrelation of the error component.

مدل	آماره آزمون	احتمال	نتیجه
اول	27.705	0.0000	وجود همبستگی جزء خطا
دوم	20.914	0.0000	وجود همبستگی جزء خطا
سوم	29.092	0.0000	وجود همبستگی جزء خطا
چهارم	21.278	0.0000	وجود همبستگی جزء خطا

با توجه به نتایج جدول ۵، مشاهده می‌شود که سطح معناداری آزمون والد ریچ برای مدل‌های پژوهش کمتر از ۵٪ بوده بیانگر وجود خودهمبستگی سریالی در مدل‌ها می‌باشد که این مشکل در تخمین نهایی مدل با اجرای دستور *Auto Correlation* رفع شده است.

۳-۴-۶- عدم وجود هم خطی بین جملات توضیحی (آزمون VIF)

هم خطی به معنای وجود رابطه شدید بین متغیرهای مستقل و کنترلی موجود در مدل می‌باشد. در صورت وجود هم خطی، ضرایب برآوردی الگو دارای خطای معیار بالایی خواهد بود و در نتیجه این مساله باعث می‌شود که تعداد متغیرهای معنی‌دار در معادله کاهش یابد. در این معادله برای بررسی عدم وجود هم خطی از معیار عامل تورم واریانس^۱ استفاده شد. وقتی که شاخص تورم واریانس کمتر از ۱۰ باشد، نشان‌دهنده عدم وجود هم خطی می‌باشد. با توجه به جدول ۶ نتایج حاصل از این آزمون نشان می‌دهد؛ که در هر هفت مدل پژوهش، میزان تورم واریانس متغیرهای مستقل و کنترلی مدل پژوهش در حد مجاز خود قرار داشته و لذا از این بابت مشکلی وجود ندارد.

جدول ۶- نتایج حاصل از آزمون عدم وجود هم خطی بین متغیرهای توضیحی مدل‌ها پژوهش.
Table 6- Results of the test for the absence of collinearity between the explanatory variables of the research models.

متغیر	نماد	مدل اول (VIF)	مدل دوم (VIF)	مدل سوم (VIF)	مدل چهارم (VIF)
پاداش هیات‌مدیره	Narc	1.12	---	1.68	---
مالکیت مدیریتی	MI	---	1.05	---	1.49
ضعف کنترل‌های داخلی	Weak	---	---	1.51	4.67
پاداش هیات‌مدیره*	Narc*	---	---	2.14	---
ضعف کنترل‌های داخلی	Weak	---	---	---	---
مالکیت مدیریتی*	MI*	---	---	---	4.93
ضعف کنترل‌های داخلی	Weak	---	---	---	---
سن شرکت	Age	1.06	1.06	1.07	1.06
اندازه شرکت	SIZE	1.13	1.12	1.17	1.16
نگهداشت وجه نقد	Liq	1.24	1.24	1.26	1.25
بازده دارایی‌ها	ROA	1.63	1.61	1.64	1.62
اهرم مالی	Lev	1.34	1.34	1.35	1.35
ارزش بازار شرکت	MTB	1.20	1.18	1.20	1.18
رشد فروش	GR	1.17	1.16	1.17	1.16

۵-۶- تخمین مدل و تجزیه و تحلیل نتایج

بعدازاینکه فروض کلاسیک مربوط به رگرسیون و مانایی متغیرهای پژوهش مورد بررسی قرار گرفت و روش تخمین مدل هم مشخص گردید، حال نوبت آن است که مدل با توجه به نتایج آزمون F لیمر و آزمون هاسمن برآورد گردد. در همین راستا از نرم‌افزار *stata* برای تشخیص رابطه موجود بین متغیرها بهره گرفته شده است.

۱-۶-۵-۱- نتایج آزمون فرضیه ۱ پژوهش

فرضیه ۱- انگیزه‌های شخصی مدیران (پاداش هیات‌مدیره) بر اجتناب مالیاتی تأثیر دارد. از این رو فرضیه را می‌توان به صورت زیر نوشت:

۱. فرض H_0 : انگیزه‌های شخصی مدیران (پاداش هیات‌مدیره) بر اجتناب مالیاتی تأثیر ندارد.

۲. فرض H_1 : انگیزه‌های شخصی مدیران (پاداش هیات‌مدیره) بر اجتناب مالیاتی تأثیر دارد.

جدول ۷- مدل رگرسیونی فرضیه ۱.

^۱ Variance Inflation Factor (VIF)

Table 7- Regression model of the first hypothesis.

$Tax_{it} = \beta_0 + \beta_1 Narc_{it} + \beta_2 Age_{it} + \beta_3 SIZE_{it} + \beta_4 Liq_{it} + \beta_5 ROA_{it} + \beta_6 Lev_{it} + \beta_7 MTB_{it} + \beta_8 GR_{it} + \varepsilon$					
متغیر وابسته: اجتناب مالیاتی					
متغیر	نماد	ضریب برآوردی	خطای استاندارد	آماره z	احتمال
پاداش هیات‌مدیره	Narc	0.037	0.026	1.39	0.165
سن شرکت	Age	-0.004	0.009	-0.42	0.674
اندازه شرکت	SIZE	0.004	0.001	2.14	0.033
نگهداشت وجه نقد	Liq	0.056	0.023	2.38	0.017
بازده دارایی‌ها	ROA	-0.078	0.017	-4.42	0.000
اهرم مالی	Lev	-0.007	0.012	-0.56	0.577
ارزش بازار شرکت	MTB	-0.0001	0.001	-0.11	0.909
رشد فروش	GR	-0.011	0.003	-3.17	0.002
مقدار ثابت	C	0.078	0.046	1.70	0.089
ضریب تعیین		0.0563			
آماره والد		44.32			
احتمال (آماره والد)		0.0000			

به‌منظور آزمون این فرضیه از نتایج تخمین مدل ارایه شده در جدول ۷ بهره گرفته شده است. نتایج نشان می‌دهد که مقدار احتمال (سطح معنی‌داری) والد برابر ۰/۰۰۰۰ بوده و چون این مقدار کمتر از ۰/۰۵ است، فرض صفر در سطح اطمینان ۹۵٪ رد می‌شود، یعنی مدل معنی‌دار است. مقدار آماره نتایج مربوط به ضریب تعیین نشان می‌دهد، تقریباً ۵٪ تغییرات متغیر وابسته به‌وسیله متغیرهای مستقل و کنترلی مدل، توضیح داده می‌شوند. متغیرهای کنترلی اندازه شرکت و نگهداشت وجه نقد دارای ضریب مثبت و سطح معناداری کمتر از ۵٪ می‌باشند. از این‌رو رابطه مستقیم و معناداری با متغیر وابسته دارند ولی متغیرهای کنترلی بازده دارایی‌ها و رشد فروش دارای ضریب منفی و سطح معناداری کمتر از ۵٪ می‌باشند از این‌رو رابطه معکوس و معناداری با متغیر وابسته دارند.

در حالت کلی نتایج نشان می‌دهد که ضریب متغیر پاداش هیات‌مدیره برابر ۰/۰۳۷ و با توجه به سطح خطای موردپذیرش ۰/۱۶۵ که بیشتر از ۵٪ است، معنی‌دار نبوده و نشان می‌دهد انگیزه‌های شخصی مدیران (پاداش هیات‌مدیره) بر اجتناب مالیاتی تاثیر ندارد. با توجه به موارد فوق می‌توان در سطح اطمینان ۹۵٪ فرضیه ۱ پژوهش را رد شده تلقی نمود.

۲-۵-۶- نتایج آزمون فرضیه ۲ پژوهش

فرضیه ۲- انگیزه‌های شخصی مدیران (مالکیت مدیریتی) بر اجتناب مالیاتی تاثیر دارد. از این‌رو فرضیه را می‌توان به‌صورت زیر نوشت:

۱. فرض H_0 : انگیزه‌های شخصی مدیران (مالکیت مدیریتی) بر اجتناب مالیاتی تاثیر ندارد.

۲. فرض H_1 : انگیزه‌های شخصی مدیران (مالکیت مدیریتی) بر اجتناب مالیاتی تاثیر دارد.

به‌منظور آزمون این فرضیه از نتایج تخمین مدل ارایه شده در جدول ۸ بهره گرفته شده است. نتایج نشان می‌دهد که مقدار احتمال (سطح معنی‌داری) والد برابر ۰/۰۰۰۰ بوده و چون این مقدار کمتر از ۰/۰۵ است، فرض صفر در سطح اطمینان ۹۵٪ رد می‌شود، یعنی مدل معنی‌دار است. نتایج مربوط به ضریب تعیین نشان می‌دهد، تقریباً ۷٪ تغییرات متغیر وابسته به‌وسیله متغیرهای مستقل و کنترلی مدل، توضیح داده می‌شوند. متغیرهای کنترلی اندازه شرکت و نگهداشت وجه نقد دارای ضریب مثبت و سطح معناداری کمتر از ۵٪ می‌باشند. از این‌رو رابطه مستقیم و معناداری با متغیر وابسته دارند ولی متغیرهای کنترلی بازده دارایی‌ها و رشد فروش دارای ضریب منفی و سطح معناداری کمتر از ۵٪ می‌باشند، از این‌رو رابطه معکوس و معناداری با متغیر وابسته دارند.

در حالت کلی نتایج نشان می‌دهد که ضریب متغیر مالکیت مدیریتی برابر ۰/۰۲۴ و با توجه به سطح خطای موردپذیرش ۰/۰۰۰ که کمتر از ۵٪ است، معنی‌دار نبوده و نشان می‌دهد انگیزه‌های شخصی مدیران (مالکیت مدیریتی) بر اجتناب مالیاتی تاثیر مستقیم دارد. با توجه به موارد فوق می‌توان در سطح اطمینان ۹۵٪ فرضیه ۲ پژوهش را پذیرفته شده تلقی نمود.

جدول ۸- مدل رگرسیونی فرضیه ۲.

Table 8- Regression model of the second hypothesis.

$$Tax_{it} = \beta_0 + \beta_1 MI_{it} + \beta_2 Age_{it} + \beta_3 SIZE_{it} + \beta_4 Liq_{it} + \beta_5 ROA_{it} + \beta_6 Lev_{it} + \beta_7 MTB_{it} + \beta_8 GR_{it} + \varepsilon$$

متغیر وابسته: اجتناب مالیاتی

متغیر	نماد	ضریب برآوردی	خطای استاندارد	آماره z	احتمال
مالکیت مدیریتی	MI	0.024	0.006	3.58	0.000
سن شرکت	Age	-0.002	0.007	-0.36	0.717
اندازه شرکت	SIZE	0.004	0.001	2.72	0.006
نگهداشت وجه نقد	Liq	0.048	0.016	2.87	0.004
بازده دارایی‌ها	ROA	-0.041	0.013	-3.06	0.002
اهرم مالی	Lev	-0.006	0.009	-0.69	0.491
ارزش بازار شرکت	MTB	-0.0004	0.0007	-0.53	0.595
رشد فروش	GR	-0.009	0.002	-3.56	0.000
مقدار ثابت	C	0.048	0.035	1.36	0.173
ضریب تعیین		0.0730			
آماره والد		60.84			
احتمال (آماره والد)		0.0000			

۳-۵-۶- نتایج آزمون فرضیه ۳ پژوهش

فرضیه ۳- ضعف کنترل‌های داخلی بر ارتباط بین انگیزه‌های شخصی مدیران (پاداش هیات‌مدیره) و اجتناب مالیاتی تاثیر دارد. از این رو فرضیه را می‌توان به صورت زیر نوشت:

۱. فرض H_0 : ضعف کنترل‌های داخلی بر ارتباط بین انگیزه‌های شخصی مدیران (پاداش هیات‌مدیره) و اجتناب مالیاتی تاثیر ندارد.
۲. فرض H_1 : ضعف کنترل‌های داخلی بر ارتباط بین انگیزه‌های شخصی مدیران (پاداش هیات‌مدیره) و اجتناب مالیاتی تاثیر دارد.

جدول ۹- مدل رگرسیونی فرضیه ۳.

Table 9- Regression model of the third hypothesis.

$$Tax_{it} = \beta_0 + \beta_1 Narc_{it} + \beta_2 Weak_{it} + \beta_3 (Narc_{it} * Weak_{it}) + \beta_4 Age_{it} + \beta_5 SIZE_{it} + \beta_6 Liq_{it} + \beta_7 ROA_{it} + \beta_8 Lev_{it} + \beta_9 MTB_{it} + \beta_{10} GR_{it} + \varepsilon$$

متغیر وابسته: اجتناب مالیاتی

متغیر	نماد	ضریب برآوردی	خطای استاندارد	آماره z	احتمال
پاداش هیات‌مدیره	Narc	0.019	0.032	0.59	0.558
ضعف کنترل‌های داخلی	Weak	-0.010	0.004	-2.24	0.025
پاداش هیات‌مدیره*	Narc* Weak	-0.022	0.036	-0.63	0.529
ضعف کنترل‌های داخلی					
سن شرکت	Age	0.002	0.011	0.24	0.813
اندازه شرکت	SIZE	0.003	0.002	1.62	0.106
نگهداشت وجه نقد	Liq	0.072	0.023	3.09	0.002
بازده دارایی‌ها	ROA	-0.070	0.021	-3.26	0.001
اهرم مالی	Lev	0.002	0.013	0.17	0.864
ارزش بازار شرکت	MTB	-0.0006	0.0009	-0.65	0.513
رشد فروش	GR	-0.010	0.003	-2.85	0.004
مقدار ثابت	C	0.064	0.059	1.09	0.277
ضریب تعیین		0.2739			
آماره والد		44.74			
احتمال (آماره والد)		0.0000			

به منظور آزمون این فرضیه از نتایج تخمین مدل ارایه شده در جدول ۹ بهره گرفته شده است. نتایج نشان می‌دهد که مقدار احتمال (سطح معنی‌داری) والد برابر ۰/۰۰۰۰ بوده و چون این مقدار کمتر از ۰/۰۵ است، فرض صفر در سطح اطمینان ۹۵٪ رد می‌شود، یعنی مدل معنی‌دار

است. نتایج مربوط به ضریب تعیین نشان می‌دهد، تقریباً ۲۷٪ تغییرات متغیر وابسته به وسیله متغیرهای مستقل و کنترلی مدل، توضیح داده می‌شوند. متغیر کنترلی نگهداشت وجه نقد دارای ضریب مثبت و سطح معناداری کمتر از ۵٪ می‌باشد، از این رو رابطه مستقیم و معناداری با متغیر وابسته دارد ولی متغیرهای کنترلی بازده دارایی‌ها و رشد فروش دارای ضریب منفی و سطح معناداری کمتر از ۵٪ می‌باشند، از این رو رابطه معکوس و معناداری با متغیر وابسته دارند.

در حالت کلی نتایج نشان می‌دهد که ضریب متغیر تعاملی (پاداش هیات‌مدیره*ضعف کنترل‌های داخلی)، برابر ۰/۲۲- و با توجه به سطح خطای موردپذیرش ۰/۵۲۹ که بیشتر از ۵٪ است، معنی‌دار نبوده و نشان می‌دهد ضعف کنترل‌های داخلی بر ارتباط بین انگیزه‌های شخصی مدیران (پاداش هیات‌مدیره) و اجتناب مالیاتی تاثیر ندارد. با توجه به موارد فوق می‌توان در سطح اطمینان ۹۵٪ فرض ۳ پژوهش را رد شده تلقی نمود.

۴-۵-۶- نتایج آزمون فرضیه ۴ پژوهش

فرضیه ۴- ضعف کنترل‌های داخلی بر ارتباط بین انگیزه‌های شخصی مدیران (مالکیت مدیریتی) و اجتناب مالیاتی تاثیر دارد. از این رو فرضیه را می‌توان به صورت زیر نوشت:

۱. فرض H_0 : ضعف کنترل‌های داخلی بر ارتباط بین انگیزه‌های شخصی مدیران (مالکیت مدیریتی) و اجتناب مالیاتی تاثیر ندارد.
۲. فرض H_1 : ضعف کنترل‌های داخلی بر ارتباط بین انگیزه‌های شخصی مدیران (مالکیت مدیریتی) و اجتناب مالیاتی تاثیر دارد.

جدول ۱۰- مدل رگرسیونی فرضیه ۴.

Table 10- Regression model of the fourth hypothesis.

متغیر وابسته: اجتناب مالیاتی					
متغیر	نماد	ضریب برآوردی	خطای استاندارد	آماره z	احتمال
مالکیت مدیریتی	MI	0.056	0.012	4.52	0.000
ضعف کنترل‌های داخلی	Weak	-0.037	0.008	-4.56	0.000
مالکیت مدیریتی* ضعف کنترل‌های داخلی	MI* Weak	0.046	0.014	3.223	0.001
سن شرکت	Age	0.003	0.010	0.31	0.759
اندازه شرکت	SIZE	-0.0003	0.002	-0.12	0.907
نگهداشت وجه نقد	Liq	0.078	0.028	2.72	0.007
بازده دارایی‌ها	ROA	-0.053	0.024	-2.17	0.030
اهرم مالی	Lev	-0.002	0.016	0.14	0.886
ارزش بازار شرکت	MTB	-0.00008	0.001	-0.06	0.949
رشد فروش	GR	-0.010	0.004	-2.16	0.031
مقدار ثابت	C	0.070	0.059	1.26	0.206
ضریب تعیین		0.2037			
آماره والد		74.46			
احتمال (آماره والد)		0.0000			

به منظور آزمون این فرضیه از نتایج تخمین مدل ارائه شده در جدول ۱۰ بهره گرفته شده است. نتایج نشان می‌دهد که مقدار احتمال (سطح معنی‌داری) والد برابر ۰/۰۰۰۰ بوده و چون این مقدار کمتر از ۰/۰۵ است، فرض صفر در سطح اطمینان ۹۵٪ رد می‌شود، یعنی مدل معنی‌دار است. نتایج مربوط به ضریب تعیین نشان می‌دهد، تقریباً ۴۰٪ تغییرات متغیر وابسته به وسیله متغیرهای مستقل و کنترلی مدل، توضیح داده می‌شوند. متغیر کنترلی نگهداشت وجه نقد دارای ضریب مثبت و سطح معناداری کمتر از ۵٪ می‌باشد، از این رو رابطه مستقیم و معناداری با متغیر وابسته دارد ولی متغیرهای کنترلی بازده دارایی‌ها و رشد فروش دارای ضریب منفی و سطح معناداری کمتر از ۵٪ می‌باشند، از این رو رابطه معکوس و معناداری با متغیر وابسته دارند.

در حالت کلی نتایج نشان می‌دهد که ضریب متغیر تعاملی (مالکیت مدیریتی*ضعف کنترل‌های داخلی) برابر ۰/۰۴۶ و با توجه به سطح خطای موردپذیرش ۰/۰۰۱ که کمتر از ۵٪ است، معنی‌دار بوده و نشان می‌دهد ضعف کنترل‌های داخلی بر ارتباط بین انگیزه‌های شخصی مدیران (مالکیت مدیریتی) و اجتناب مالیاتی تأثیر مستقیم دارد. با توجه به موارد فوق می‌توان در سطح اطمینان ۹۵٪ فرض ۵٪ پژوهش را پذیرفته شده تلقی نمود.

۷- نتیجه‌گیری

در این پژوهش سعی شده است تا با بررسی نظری و تجربی موجود پیرامون تأثیر انگیزه‌های شخصی مدیران بر اجتناب مالیاتی با تأکید بر کنترل‌های داخلی پرداخته شود. رفتار مدیریت به دو دسته تقسیم می‌شود یعنی فرصت طلب و کارا. رفتار مدیریت در صورتی فرصت طلبانه است که تنها به نفع منافع شخصی آن‌ها باشد و در حالتی رفتار مدیریت کارآمد است که هم مدیر و هم مالک از یکدیگر سود ببرند. وقتی مالکیت مدیریت بیشتر شود منافع مدیر و مالک در راستای هم بوده و هزینه‌های نمایندگی کاهش می‌یابد و مدیران سعی در پرداخت مالیات کمتر و رفتارهای جسورانه مالیاتی بالاتری خواهند داشت. لذا، با افزایش درصد مالکیت مدیران، اجتناب از پرداخت مالیات نیز بیشتر می‌شود. بر اساس یافته‌های پژوهش، انگیزه‌های شخصی مدیران (پاداش و مالکیت مدیریتی) بر اجتناب مالیاتی تأثیر دارد و این تأثیر به صورت مستقیم است؛ یعنی با افزایش انگیزه‌های شخصی مدیران و درصد مالکیت آن‌ها، مدیران تلاش بیشتری در جهت جلوگیری از خروجی منابع مالی از شرکت تحت عنوان مالیات می‌کنند و موجبات افزایش اجتناب مالیاتی می‌شوند. همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد، ضعف کنترل‌های داخلی بر ارتباط بین انگیزه‌های شخصی مدیران (مالکیت مدیریتی) و اجتناب مالیاتی تأثیر مستقیم دارد؛ یعنی تعامل ضعف کنترل‌های داخلی و انگیزه‌های شخصی مدیران (مالکیت مدیریتی) و افزایش آن‌ها، موجب افزایش اجتناب مالیاتی می‌شود. بدین معنی که در شرکت‌هایی که ضعف کنترل داخلی دارند با افزایش مالکیت مدیریتی، اجتناب مالیاتی از آن اثرپذیر بوده و افزایش می‌یابد؛ یعنی ضعف کنترل‌های داخلی بر ارتباط بین انگیزه‌های شخصی مدیران (مالکیت مدیریتی) و اجتناب مالیاتی نقش تعدیل‌گر دارد. سیستم کنترل داخلی یک سازمان شامل سیاست‌ها و روش‌هایی است که برای تأمین اطمینان نسبی از دستیابی به هدف‌های سازمانی به وجود می‌آید. اطمینان نسبی بدان معناست که هیچ ساختار کنترل داخلی، ایده‌آل نیست و مخارج کنترل داخلی یک واحد تجاری نباید بیش از منافع مورد انتظار از آن باشد. کنترل داخلی، مجموعه‌ای از عملیات و فعالیت‌ها بر پایه ستانده است. کنترل داخلی باید به‌عنوان جزء لازم هر سام آن‌های شناسایی شود که مدیریت برای تنظیم و راهنمایی آن فعالیت‌ها به کار می‌گیرد. ضعف کنترل داخلی رابطه مثبت بین انگیزه‌های شخصی مدیران و رفتار اجتناب از مالیات شرکت را افزایش می‌دهد؛ بنابراین، در شرکت‌های بورسی، فقدان یک سیستم کنترل داخلی و شکست اقدامات کنترل داخلی رایج است و چنین خلأهایی می‌تواند رفتار اجتناب از مالیات را تشدید کند که وقتی مدیران اجرایی مشمول مشوق‌های برابری می‌شوند، ایجاد می‌شود.

بر اساس یافته‌های پژوهش پیشنهاد می‌شود که با توجه به تأثیر مستقیم ضعف کنترل‌های داخلی بر اجتناب مالیاتی به شرکت‌های بورس و نهادهای ذی‌ربط پیشنهاد می‌شود با اتخاذ قوانینی در جهت زمینه‌سازی‌های مناسب افزایش کنترل‌های داخلی اقدامات لازم را انجام دهند. در زمینه اجتناب از مالیات، کنترل داخلی موثر هنگام تصمیم‌گیری و برآورد سیاست‌های مالیاتی شرکت، خطاهای مدیریت را کاهش می‌دهد. در نتیجه با جلوگیری از رفتارهای فرصت طلبانه در راستای کاهش اجتناب مالیاتی عمل می‌کنند. همچنین طبق نتایج به دست آمده نوع ساختار مالکیت شرکت‌ها می‌تواند تأثیر به سزایی در اجتناب یا عدم اجتناب مالیاتی آن‌ها داشته باشد. بسیاری از شرکت‌ها از طریق لایه‌های چندگانه سهامداری یا شرکت‌های واسطه، مالک واقعی را پنهان می‌کنند تا تشخیص ارتباطات مالیاتی سخت شود. راهکار پیشنهادی به شرکت‌ها، حرکت از اجتناب مالیاتی پرخطر به سمت برنامه‌ریزی مالیاتی محافظه‌کارانه و شفاف است. بنابراین شاید بتوان با سرمایه‌گذاری‌هایی جانبی که منجر به دریافت معافیت‌های قانونی یا کاهش نرخ موثر مالیاتی می‌شوند، انگیزه اجتناب مالیاتی مدیران را کاهش داد.

راهکار پیشنهادی برای مراجع قانونی به شرح زیر است:

۱. ایجاد «پایگاه داده مالکیت واقعی» و الزام شرکت‌ها به اعلام افراد حقیقی‌ای که در نهایت مالک هستند.
۲. اتصال این پایگاه به سامانه‌های ثبت شرکت‌ها، بورس و سازمان امور مالیاتی.
۳. تطبیق بین اظهارنامه مالیاتی و ساختار مالکیت برای شناسایی گروه‌های درون‌شرکتی.
۴. اعطای اعتبار مالیاتی یا مزایای رتبه‌بندی برای شرکت‌هایی که ساختار مالکیت شفاف دارند و اطلاعات خود را داوطلبانه منتشر می‌کنند در جهت تشویق و جلوگیری از اجتناب مالیاتی پیشنهاد می‌شود.

تشکر و قدردانی

از تمام افرادی که در فرایند نگارش مقاله کمک کرده‌اند، تشکر و قدردانی می‌نماییم.

منابع مالی

این تحقیق بدون کمک هزینه تحقیق انجام شده است.

تعارض با منافع

هیچ‌گونه تعارض منافی در این پژوهش وجود ندارد.

منابع

- [1] Shahbazian, H. (1994). *The evolution of direct taxes in iran from 1986 to today* [Thesis]. (In Persian). <https://noordoc.ir/thesis/88224>.
- [2] Rego, S. O., & Wilson, R. (2012). Equity risk incentives and corporate tax aggressiveness. *Journal of accounting research*, 50(3), 775–810. <https://doi.org/10.1111/j.1475-679X.2012.00438.x>
- [3] Minnick, K., & Noga, T. (2010). Do corporate governance characteristics influence tax management? *Journal of corporate finance*, 16(5), 703–718. <https://doi.org/10.1016/j.jcorpfin.2010.08.005>
- [4] Hanlon, M., & Heitzman, S. (2010). A review of tax research. *Journal of accounting and economics*, 50(2–3), 127–178. <https://doi.org/10.1016/j.jacceco.2010.09.002>
- [5] Armstrong, C. S., Blouin, J. L., & Larcker, D. F. (2012). The incentives for tax planning. *Journal of accounting and economics*, 53(1–2), 391–411. <https://doi.org/10.1016/j.jacceco.2011.04.001>
- [6] Hribar, P., & Collins, D. W. (2002). Errors in estimating accruals: Implications for empirical research. *Journal of accounting research*, 40(1), 105–134. <https://doi.org/10.1111/1475-679X.00041>
- [7] Desai, M. A., & Dharmapala, D. (2006). Corporate tax avoidance and high-powered incentives. *Journal of financial economics*, 79(1), 145–179. <https://doi.org/10.1016/j.jfineco.2005.02.002>
- [8] Wilson, R. J. (2009). An examination of corporate tax shelter participants. *The accounting review*, 84(3), 969–999. <https://doi.org/10.2308/accr.2009.84.3.969>
- [9] Myers, J. N., Myers, L. A., & Skinner, D. J. (2007). Earnings momentum and earnings management. *Journal of accounting, auditing & finance*, 22(2), 249–284. <https://doi.org/10.1177/0148558X0702200211>
- [10] Tucker, J. W., & Zarowin, P. A. (2006). Does income smoothing improve earnings informativeness? *The accounting review*, 81(1), 251–270. <https://doi.org/10.2308/accr.2006.81.1.251>
- [11] Mohammadi, J., & Naghizadi, N. (2016). *The effect of agency costs on the relationship between managerial ownership and accounting conservatism* [presentation]. Fifth national conference on modern management sciences, Gorgan, Iran. Civilica. (In Persian). <https://civilica.com/doc/561246/>
- [12] Abdi, R., Zeinali, M., & Taghizadeh Khanghah, V. (2017). The effect of managerial ownership on the relationship between free cash flows and investment inefficiency 157-185. *Financial accounting and auditing research*, 9(35), 157-185. (In Persian). <https://www.sid.ir/paper/197937/fa>
- [13] Hajjiha, Z., Oradi, J., & Salehabadi, M. (2017). Weakness in internal control and delay in audit report. *Financial accounting*, 9(33), 78-96. (In Persian). <https://sid.ir/paper/168162/fa>
- [14] Hassas Yeganeh, Y., & Taghinataj Malakshah, G. (2006). Relation between internal control reporting and the user's decision making: in Tehran security exchange market. *Empirical studies in financial accounting*, 4(14), 133-176. (In Persian). <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.28210166.1385.4.14.5.8>
- [15] Nemat Pajouh, E. (2002). Inadequacies and obstacles in establishing internal control. *Accountant*, 151, 23-27. (In Persian). <https://sid.ir/paper/495312/fa>
- [16] Graham, J. R., & Tucker, A. L. (2006). Tax shelters and corporate debt policy. *Journal of financial economics*, 81(3), 563–594. <https://doi.org/10.1016/j.jfineco.2005.09.002>
- [17] Natalia, M., Carolina, V., & Joni, J. (2021). Relationship between corporate social responsibility disclosure, corporate governance, and tax avoidance. *KINERJA*, 25(1), 79-90. <https://doi.org/10.24002/kinerja.v25i1.4198>
- [18] Fakhar, M., Faghani Makrani, K., & Fazeli, N. (2023). Investigating the impact of factors affecting tax avoidance and presenting an optimal tax avoidance prevention model. *Accounting and auditing research*, 15(59), 63-86. (In Persian). https://www.iaaaar.com/article_185327.html
- [19] Tousinejad, M., & Babaei, G. (2023). Investigating the role of the company's strategic system on the relationship between tax avoidance and managers' desire for power. *Quarterly journal of dynamic management and business analysis*, 2(1), 354. (In Persian). <https://www.dmbaj.org/index.php/dmba/article/view/12>
- [20] Nasiri, S., Kaab Omeir, A., & Dorseh, S. S. (2020). Impact of environmental uncertainty on tax avoidance and tax evasion of listed companies in Tehran stock exchange. *Journal of management accounting and auditing knowledge*, 9(36), 41-52. (In Persian). https://www.jmaak.ir/article_16928.html?lang=en

- [21] Kavianifard, H., Khajoui, S., & Awazzadeh Fatah, F. (2019). The effect of CEO power components on tax reduction policies. *Financial accounting research*, 70(2), 47-70. (In Persian). <https://www.sid.ir/paper/1062169/fa>
- [22] Hajianejad, A., & Danesh Sararudi, S. R. (2019). Investigating the effect of agency cost and liquidity on tax avoidance through profitability. *Danesh Akbar*, (36), 115-136. (In Persian). <https://www.magiran.com/p1989342>
- [23] Fallah Sougheh, A., Kheradyar, S., Pourali, M. R., & Samadi Largani, M. (2023). The factors affecting tax avoidance using linear regression equations. *Journal of management accounting and auditing knowledge*, 12(45), 533-544. (In Persian). https://www.jmaak.ir/article_23524.html
- [24] Sheybani Tezerji, A., Khodamipour, A., & Pourheidari, O. (2018). Investigating the effect of customer concentration on tax avoidance, considering firm's market share. *Accounting and auditing review*, 25(2), 215-232. (In Persian). <https://doi.org/10.22059/acctgrev.2018.239298.1007667>
- [25] Koester, A., Shevlin, T., & Wangerin, D. (2017). The role of managerial ability in corporate tax avoidance. *Management science*, 63(10), 3285-3310. (In Persian). https://qjma.atu.ac.ir/article_8912_1669.html?lang=en
- [26] Hasani Alghar, M., & Sheri Anaghiz, S. (2017). Examination of the effects of the managerial ability on tax avoidance. *Journal of accounting knowledge*, 8(1), 107-134. (In Persian). <https://doi.org/10.22103/jak.2017.1649>
- [27] Khajavi, S., Rezaei, G., & Fani, L. (2022). The relationship between tax avoidance and weak internal controls. *Judgment and decision making in accounting*, 1(1), 47-66. (In Persian). <http://sid.ir/paper/1400526/fa>
- [28] Taherifard, Ahmad Reza; Salehi, A. K. (2016). Investigating the relationship between ceo role duality and tax avoidance in companies listed on the tehran stock exchange. *The fifth international conference on accounting and management and the second conference on entrepreneurship and open innovations, tehran, mehr eshraq conferences*. Civilica. (In Persian). <https://civilica.com/doc/501529/>
- [29] Lv, W., Meng, Q., Cao, Y., & Liu, J. (2025). Impact and moderating mechanism of corporate tax avoidance on firm value from the perspective of corporate governance. *International review of financial analysis*, 99, 103926. <https://doi.org/10.1016/j.irfa.2025.103926>
- [30] Azenzoul, A., Mahouat, N., Mokhlis, K., & Moussaid, A. (2025). Digital transformation and corporate tax avoidance: Evidence from Moroccan listed firms. *Journal of risk and financial management*, 18(10), 575. <https://www.mdpi.com/3535942>
- [31] Rakhmayani, A., Aresteria, M., & Sulestiyono, D. (2024). Internal control and tax avoidance: a possible mitigation effort. *Proceeding international conference on accounting and finance* (pp. 354-358). Diponegoro University. <https://journal.uii.ac.id/inCAF/article/view/32668>
- [32] Martiana, B. E., & Husnaini, W. (2024). The Effect of Managerial Ownership on Tax Avoidance with Firm Size as a Moderating Variable. *International journal of business and quality research*, 2(01), 188-206. <https://doi.org/10.63922/ijbqr.v2i01.786>
- [33] Wenwu, X., Khurram, M. U., Qing, L., & Rafiq, A. (2023). Management equity incentives and corporate tax avoidance: Moderating role of the internal control. *Frontiers in psychology*, 14, 1096674. <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2023.1096674>
- [34] Kuruone, O., Kong, Y., Sun, H., Muzamhindo, S., Famba, T., & Taghizadeh-Hesary, F. (2021). The effects of International Financial Reporting Standards, auditing and legal enforcement on tax evasion: Evidence from 37 African countries. *Global finance journal*, 49, 100561. <https://doi.org/10.1016/j.gfj.2020.100561>
- [35] Wen, W., Cui, H., & Ke, Y. (2020). Directors with foreign experience and corporate tax avoidance. *Journal of corporate finance*, 62, 101624. <https://doi.org/10.1016/j.jcorpfin.2020.101624>
- [36] Khaoula, F., & Moez, D. (2019). The moderating effect of the board of directors on firm value and tax planning: Evidence from European listed firms. *Borsa istanbul review*, 19(4), 331-343. <https://doi.org/10.1016/j.bir.2019.07.005>
- [37] Jamei, R., Koolivand, Z., & Mohammadi Klareh, N. (2020). Investigating the relationship between weak internal control and audit fees with emphasis on political connections in companies listed on the Tehran Stock Exchange. *Journal of financial accounting research*, 12(2), 99-114. (In Persian). <https://www.sid.ir/paper/1062227/fa>